

Principles and Characteristics of Citizenship Rights in Saadi's Bustan*Einollah Asadi Gorji¹, Zeinab Babajani Gorji²***Abstract**

Being responsible is one of the most salient features of human and humanitarian governments. Sa'di, an experienced literary scholar, has a great deal of theories about citizenship rights. From his point of view, government should be responsible for people's problems and try to solve them. This study aims to analyze citizenship rights in Sa'di's Bustan. This research is a descriptive-analytical one based on documents. Impotence of this article is to analyze citizenship rights in Sa'di's Bustan that can be useful for nowadays governments. Authorities want to compare Sa'di's social viewpoints and citizenship rights with those of his utopia. The results show that purpose of legal regulations and common laws monitoring society is to keep human beings status, regulate social relations among individuals, and especially reach to equality and justice.

Keywords

Saadi's Bustan, Citizenship Rights, Governor, Government

Please cite this article as: Asadi Gorji E, Babajani Gorji Z. Principles and Characteristics of Citizenship Rights in Saadi's Bustan. *Iran J Med Law* 2017; 11(40): 179-191.

1. Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Gorgan Branch of Islamic Azad University, Gorgan, Iran. (Corresponding author)

Email: asadi5284@yahoo.com

2. Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Saveh Branch of Islamic Azad University, Saveh, Iran.

اصول و شاخصه‌های حقوق شهروندی در بوستان سعدی

عین‌الله اسدی گرجی^۱

زینب باباجانی گرجی^۲

چکیده

از بارزترین مختصات انسان و حکومت‌ها، احساس مسؤولیت و پذیرش آن است. سعدی به عنوان ادیب و حکیمی کارآزموده، آرای قابل توجهی در زمینه حقوق شهروندی دارد. از نظر سعدی، حاکم می‌بایست خویشتن را مسؤول مشکلات مردم بداند و در جهت رفع مشکلات آن‌ها کوشش کند. هدف تحقیق حاضر، بررسی و تحلیل حقوق شهروندی در بوستان سعدی است. روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و به روش اسنادی انجام شده است. اهمیت این جستار در بررسی موشکافانه حقوق شهروندی در بوستان سعدی است که می‌تواند در تبیین الگوهای مناسب برای حاکمان امروز مؤثر باشد. نگارندگان برآنند دیدگاه‌های اجتماعی و حقوق شهروندی سعدی را با مبانی جامعه آرمانی وی بسنجند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هدف تمام قواعد حقوقی و ارزش‌های عرفی، ناظر بر جامعه انسانی، حفظ کرامت انسان، تنظیم روابط اجتماعی افراد جامعه و در اوج آن رسیدن به عدالت و برابری است.

واژگان کلیدی

سعدی، بوستان، حقوق شهروندی، حاکم، حکومت

۱. دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، گرگان، ایران.
Email: asadi5284@yahoo.com (نویسنده مسؤول)

۲. دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، ساوه، ایران.

مقدمه

حقوق بشر و حق شهروندی از جمله مفاهیمی است که در مورد آن سخنان بسیاری گفته شده است. برخی از آنجا که انسان‌ها را دارای هویت مشترک انسانی می‌دانند. جدا از تاریخ و ملیت و مذهب آنان، معتقدند بشر دارای حقوقی است که می‌بایست از طرف صاحبان قدرت به رسمیت شناخته شود و هیچ عنصری حق محدود کردن آن را ندارد، مگر آنکه این حق در تزاخم با حق دیگران باشد و حقوق دیگران را ضایع کند.

طرح مسائل اجتماعی در شعر و نثر ادیبان بدان معنی نیست که شاعر یا نویسنده درصدد تحلیل جامعه شناسانه وقایع باشد، پس شاعر نه جامعه‌شناس است و نه سیاستمدار، بلکه وی سیاد مضامین ادبی، تأمل برانگیز و زیبایی است که بتواند در عوالم خیال دستمایه پردازش شاعرانه گردد. با این همه شاید بتوان توجه شاعران به مسائل اجتماعی و روابط حاکم بر جامعه را جلوه دیگری از اندیشه اجتماعی ایرانیان دانست و دست کم، دیوان‌های شعر را در ردیف منابع تحقیق اجتماعی نشاناد.

سعدی شیرازی در این زمینه از ستاره‌های درخشانی است که ابعاد اجتماعی سخنش جای درنگی ژرف‌کاوانه دارد، زندگی پر تب و تاب وی و مسافرت‌های دور و دراز و همنشینی با قشرهای گوناگون، دانش‌اندوزی، تأملات درونی، روح بلند و ذوق لطیف او از یکسو و مشاهده جامعه و مردم بلاکشیده که زیر تیغ مغولان چشم به راه مرگ بودند، از سوی دیگر، سبب شد که سعدی دردها بسراید و بی‌قرار و ناآرام، زخم‌های مزمن جامعه را بشکافد و برای درمان دردها چاره اندیشد؛ گرد از رخ ارزش‌های فراموش شده فرو نشاند و عاشقانه صلاهی نوع‌دوستی سر دهد، دری از عالم تربیت به روی خلق بگشاید و با زورمداران از دادگری، احسان، تساهل و تسامح، امنیت و رفاه اجتماعی، خداترسی حاکمان، احسان و نیکوکاری سخن راند و خمودان را جانی تازه بخشد و در تو در توی شعرش «من» انسانی را بازکاود.

در بوستان راه و رسم پرکشیدن به سوی آرمان‌های والای انسانی و آسمانی را بیاموزد. به قول دکتر زرین‌کوب: «بوستان خود، دنیایی دیگر است، دنیایی است که آفریده خیال شاعر است. از این روست که در آن انسان چنانکه باید باشد و نه آن‌گونه که هست، چهره می‌نماید» (۱).

از این سخن دکتر زرین کوب که دکتر غلامحسین یوسفی نیز با آن هم‌داستان است، چنین برمی‌آید که آرمان شهر سعدی در بوستان جلوه‌گر است. واژه شهروند، معادل «Polites» یونانی و «Citizen» انگلیسی و «Citoyen» فرانسه است. در زبان فرانسه کلمه شهروند از شهر «Cite» می‌آید و (سپته) از واژه لاتینی سیویتاس (Civitas) مشتق است. سیویتاس در زبان لاتینی معادل کلمه «Polis» در زبان یونانی است که همان شهر است که تنها مجتمعی از ساکنین نیست، بلکه واحدی سیاسی و مستقل به شمار می‌آید. شهروند فقط به ساکن شهر گفته نمی‌شود، در رم همانند آتن، کلیه ساکنان، خصلت شهروندی را نداشتند. آن کسی شهروند به شمار می‌رفت که شرایط لازم برای مشارکت در اداره امور عمومی شهر را دارا می‌بود (۲).

حقوق شهروندی مجموعه حقوقی است که افراد به اعتبار موقعیت شهروندی خود دارا می‌شوند و نیز اطلاق عام است بر مجموعه امتیازات مربوط به شهروندان و نیز مجموعه قواعدی که بر موقعیت آنان در جامعه حکومت می‌کند (۳).

حقوق بشر عام و جهان شمول و برای تثبیت حقوق فطری و طبیعی انسان است، در حالی که حقوق شهروندی حقوق انسان، به خاطر زندگی در اجتماع معین است و با توجه به مقتضیات جوامع و شرایط زمانی و مکانی می‌تواند متفاوت باشد. حقوق بشر، از خصیصه‌هایی برخوردار است که هیچ‌گونه قید و شرط، خصوصاً تبعیض بر اساس تابعیت را بر نمی‌تابد (۴). در این مقاله کوشش می‌شود تا به زوایایی، هرچند مختصر شاخصه‌های حقوق شهروندی همراه با شواهد شعری از بوستان به تصویر کشیده شود و به این سؤالات اساسی پاسخ گوید که:

۱- بنیاد فکری سعدی در موضوع حقوق شهروندی بر چه اصولی استوار می‌باشد؟

برای یافتن پاسخ، کتاب بوستان سعدی مورد بررسی قرار گرفته است و موارد زیادی از اصول و شاخصه‌های حقوق شهروندی در این کتاب استخراج گردیده است. شایان ذکر است اندک مقالاتی هم که در زمینه حقوق شهروندی منتشر شده است به صورت گذرا و پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند و آثاری که بیشتر درخور توجه است، عبارتند از: کتاب «ذکر جمیل سعدی»، مقاله‌های «رعایت حقوق اجتماعی از دیدگاه سعدی» نوشته رضا آزادپور، مقاله «حکمت سیاسی سعدی» نوشته سیاوش حق‌جو، «حقوق شهروندی از دیدگاه سعدی» نوشته نورعلی مظاهری، «گفتمان حقوق انسانی در گلستان سعدی» نوشته محمد قراگوزلو، باید اذعان نمود

که هر یک از این پژوهش‌ها بیانگر گوشه‌ای از دیدگاه‌های حقوق شهروندی سعدی است. به عبارتی، برخی اصول و شاخص‌های حقوق شهروندی شامل صلح و آشتی، تساهل و مدارای انسان‌ها، ستایش شایستگان و اهل قلم، تأمین امنیت اجتماعی مردم، رفاه عمومی، خداترسی حاکمان، نوع دوستی و شفقت به هم‌نوع و احسان و نیکوکاری می‌باشد که در ادامه این مقاله به آن می‌پردازیم.

صلح و آشتی

توجه سعدی به احسان برخاسته از اندیشه‌های انسان‌گرایانه اوست. در روزگار سعدی، مغولان، خون انسان‌ها را بی‌رحمانه بر زمین می‌ریختند. کشتار و جنایت، سنت مرسوم آن روزگار بود، ولی به اعتقاد وی فرمانروایی تمام دنیا ارزش ریخته‌شدن یک قطره خون را ندارد، تا چه رسد به کشتن یک انسان.

به مردی که ملک سراسر زمین نیرزد که خونی چکد بر زمین (۵)

سعدی معتقد است به کاربردن تدبیر سیاسی بر قدرت نمایی رجحان دارد. صلح همواره باید بر جنگ مقدم باشد. در آغاز برای غلبه بر دشمن باید از شیوه‌های دیگر استفاده کرد و زمانی که همه کوشش‌های صلح‌جویانه بی‌ثمر ماند، جنگ را می‌توان آخرین چاره دانست. با این همه سعدی تأکید می‌ورزد حتی زمانی هم که جنگ آغاز گشت باید «دَرِ صلح» را باز نگاه داشت و هیچ فرصت صلح‌آمیزی را نباید از دست داد (۶).

اگر صلح خواهد عدو سر مپیچ وگر جنگ جوید عنان بر مپیچ

سعدی اهل جنگ و پیکار نیست و همواره این پدیده اجتماعی محکوم می‌کند. او بر اختلاف بدفرجام مذهبی که نمونه جنگ‌های آن را به چشم خویش دیده صحه نمی‌گذارد و بشریت را به همبستگی و همدردی فرا می‌خواند (۷). مضمون جاودانی در بیت زیر از جرقه‌های اندیشه اوست:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

مضمونی که در قرن اعتلای ارزش‌های انسانی، همچنان مطلوب و عزیز است، اما چون در باب رهبری و جهان‌داری به شاهان و رهبران اجتماعی، روی سخن دارد و معمولاً انگیزه‌های

اصلی جنگ و ستیز که زیاده‌جویی و برتری‌طلبی دولت‌هاست با جان آن‌ها درآمیخته و ناگزیر دامن رهبران را می‌گیرد، به ناچار در نقش یک مصلح اجتماعی و با بیانی که روح مصلحت‌بینی و آشتی‌طلبی دارد، سخن می‌گوید (۸):

مزن تا توانی بر ابرو گره
که دشمن اگر چه زبون، دوست به
اگر پیل زوری و گر شیر چنگ
به نزدیک من صلح بهتر که جنگ

تساهل و مدارای انسان‌ها

در میان اندیشمندان تراز اول ایران‌زمین، کم‌تر کسی را می‌توان یافت که به اندازه سعدی برای مدارا ارج قائل شده باشد، البته این سخن به معنای آن نیست که در سراسر آثار منشور و منظوم این سخنور، کلام یا شعری که منافای با آزاداندیشی و مابین با مدارا باشد، نتوان یافت، بلکه منظور نگارنده بیشتر طرز تفکر غالب در این آثار با توجه به شرایط زمانی و محیط زندگی و زمینه‌های تربیتی و تحصیلی سعدی است (۹). مدارا و بردباری و به طور کلی افکار بشردوستانه شیخ اجل از مواردی است که قابل تأمل است. وی در بیان تساهل و مدارای انسان‌ها با یکدیگر چنین می‌سراید:

چو پرخاش بینی تحمل بیار
که سهلی بیند در کارزار
به شیرین زبانی و لطف و خوشی
توانی که پیلی به مویی کشی

تساهل و مدارا با هم‌نوعان و اصناف خلق یکی از جلوه‌های بارز و برجسته صلح و آشتی است. از نشانه‌های اهل مدارا، می‌توان به کم‌آزاری، احترام متقابل، کم‌بودن شاکی، رعیت‌پروری و بنده‌نوازی، مهمان‌نوازی، زود آشنایی، سخت‌نگرفتن بر زیردستان، احسان و نیکی و تسلیم در برابر تقدیر حق اشاره کرد. بالارفتن مدارا معلول عوامل بی‌شمار اجتماعی است که شخصیت و روانشناسی فردی تنها یکی از این عوامل محسوب می‌شود. سعدی موافقت و همراهی دوست را تکیه‌گاه ستردگی می‌داند که با تکیه‌زدن به آن تحمل جفا و بی‌مهری‌های خلق برای انسان سهل و هموار می‌گردد (۱۰):

تو با خلق سهلی کن ای نیک بخت
که فردا نگیرد خدا بر تو سخت

ستایش شایستگان و اهل قلم

یکی از پشتوانه‌های معنوی حکومت، حضور نقش‌آفرین اهل قلم از پشتوانه‌های معنوی حکومتند. از دیرباز قلم و شمشیر در ادبیات کهن فارسی کارکردی نمادین داشته است. قلم، نماد خردورزی و دوراندیشی و نگرشی حکیمانه بوده است (۱۱).

ستایش از صاحبان هنر و فضیلت در واقع بزرگداشت مکارم اخلاقی و کرامت انسانی، خداپسندانه و خردپذیر است، چراکه چنین ستایش‌ها موجب تقویت و نشر ارزش‌های معنوی و تحکیم حاکمیت دانش، اخلاق و ارزش‌های والای انسانی در جامعه بشری می‌شود. همت‌های عالی را می‌پرورد و استعداد‌های حق‌جویان را برای کسب بزرگی‌ها و اقدام به عمل صالح برمی‌انگیزد.

«گو این‌که تعبیر لشکری و کشوری که امروزه درباره قوای مملکت به کار برده می‌شود، در دو نماد تیغ و قلم تبلور می‌یابد، هرچند در گذشته تفکیک قوا مانند امروز معمول نبوده است، اما مجموعه عوامل حکومتی را می‌توان ذیل دو عنوان لشکری و کشوری جای داد (۱۲). بنابراین وقتی که سعدی می‌گوید:

دو تن پرور ای شاه کشور گشای	یکی اهل بازو دوم اهل رای
ز نام آوران گوی دولت بَرند	که دانا و شمشیر زن پرورند
قلم زن نکو دار و شمشیر زن	نه مطرب که مردی نیاید ز زن

بی‌گمان، توصیه و تأکید سعدی گستره وسیع اهل قلم را دربر می‌گیرد و افرادی را که به نوعی با تدبیر، اندیشه، تخیل و نوشتار سر و کار دارند، شامل می‌شود.

تأمین امنیت اجتماعی مردم

امنیت از نیازهای اساسی بشر است، به طوری که بدون برخورداری از آن، اهداف دیگر بشر مانند عدالت، آزادی، رشد و پیشرفت علمی و معنوی به دست نمی‌آید. حاکم باید علاوه بر تأمین رفاه، آسایش، تأمین حقوق، آزادی، مایحتاج اولیه افراد امنیت جانی، مالی و سیاسی مردم را فراهم نماید. بدون شک تأمین امنیت مردم به طور کامل تنها از عهده حکومت برمی‌آید. شیخ شیراز می‌داند که رشد و تعالی انسان، تنها در سایه امنیت اجتماعی تحقق می‌یابد. سعدی برای برقراری امنیت از حاکم می‌خواهد که به راحتی در دسترس مردم و رعیت باشد و آنان بتوانند بدون موانع با حاکم سخن بگویند:

تو کی بشنوی ناله دادخواه
چنان خسب که آید فغانت به گوش
به کیوان برت کله خوابگاه؟
اگر دادخواهی برآرد خروش
که نالد ز ظالم که در دور توست؟
که هر جور کو می کند جور توست

در طول تاریخ، کمترین چشم‌داشت مردم از حکومت‌ها، برقراری امنیت فردی و اجتماعی بوده است. اگر در تأمین امنیت و آسایش جامعه سودی باشد، تنها نصیب مردم نیست، بلکه حکومت بیش از مردم از آن بهره می‌برد. بنابراین سعدی از پادشاه می‌خواهد که دست کم، به خاطر خود، مال و جان رعیت را پاس دارد (۱۲). از جمله:

رعیت نشاید به بیداد کشت
مراعات دهقان کن از بهر خویش
که مر سلطنت را پناهند و پشت
که مزدور خوشدل کند کار بیش

رفاه عمومی

از وظایف حاکم، همت‌گماردن با ایجاد رفاه عمومی است. رفاه و آسایش و تحقق کفاف در زندگی امری است که به واسطه آن مسیر رشد و پیشرفت مادی و معنوی مردم هموار می‌گردد (۱۳). از دیگر مسؤولیت‌های مهم حکومت، تقسیم عادلانه بیت‌المال و رفاه‌بخشیدن به زندگی مردم است. به گونه‌ای که همراه با ستم نباشد و اموال عمومی مردم، در غیر موردی که به مصلحت آنان نباشد، صرف و خرج نشود (۱۴). سعدی بر این عقیده است که پادشاه وظیفه تأمین رفاه و امنیت مردم را دارد:

برو پاس درویش محتاج دار
مکن تا توانی دل خلق ریش
که شاه از رعیت بود تاجدار
و گر می‌کنی، می‌کنی بیخ خویش

خداترسی حاکمان

سعدی ترس از خدا را از مهم‌ترین ویژگی‌های حاکم عادل می‌داند و معتقد است که رعایت عدالت و در خدمت رعیت‌بودن، باید به خاطر رضای خدا و ترس از خدا باشد، نه اهداف دیگر. سعدی یکی از شرط‌های حکومت عادل و مردمی را در این نکته می‌داند که برای ایجاد امنیت، کارگزارانی برای کشور انتخاب کند که درست‌کار، وظیفه‌شناس و خداپرست باشند (۱۵):

خداترس باید امانت گزار
امین باید از داور اندیشناک
امین کز تو ترسد امینش مدار
نه از رفیع دیوان و زجر و هلاک

سعدی برای پیشگیری از گسترش فساد اداری و مالی به دولت مردان توصیه می‌کند که هرگز دو خویشاوند یا دوست نزدیک را در یک نهاد دولتی به کار نگیرند، زیرا روابط خویشاوندی و دوستی نزدیک، باعث می‌شود آنان خطاها و خلاف‌های یکدیگر را روپوش نمایند:

دو همجنس دیرینه هم قلم
چه دانی که هم‌دست گردند و یار
نباید فرستاد یک جا به هم
یکی دزد باشد، یکی پرده‌دار

با این همه، عجله در استخدام کارمندان را مذموم می‌شمارد و به سیستم لیاقت از طریق انتخاب، معتقد است. در اتقا نیز به عقلش نباید آزمود، سپس به قدر هنر پایگاهش فزود:

نخواهی که ضایع شود روزگار
به ناکار دیده مفرمای کار

نظام استخدامی سازمانی که سعدی پیشنهاد می‌کند، بر استخدام کارمندان خداترس مبتنی است، او اعتقاد به مبدأ را شرط اساسی هر گونه رهبری از بالاترین نقطه هر م قدرت تا رهبران رده میانه و کارمندان جزء می‌داند و گویی که مانند همه پایبندان مکتب خداپرستی، این اعتقاد بنیادی را پایه همه خوبی‌ها می‌داند و اندرز می‌دهد که:

عمل گر دهی مرد منعم‌شناس
بیفشان و بشمار و فارغ نشین
که مفلس ندارد ز سلطان هراس
که از صد یکی را نبینی امین

نوع دوستی و شفقت به هم‌نوع

بشریت و بشرگرایی که در ادبیات جهانی تکیه گاه و منشأ الهام گفته‌ها و نوشته‌هاست، در ادبیات فارسی نیز پرتوی درخشان و بازتابی نمایان دارد. اندیشه بشر دوستی و خدمت به بشر، در شعر و نثر سعدی با عناوین مأنوس و اصطلاحات متناسب با شکل و محتوای بیان و بافت زبان از قلمش نمایان شده است (۱۶).

سعدی با لفظ «بنی‌آدم» همه جهانیان را در نظر گرفته و عالی‌ترین فکر بشر دوستی را بیان کرده و شعر لایزال خود را بر پیشانی بشریت نشانده است و مضمون بلند و فکر عالی را به جهان عرضه می‌دارد (۱۷).

سعدی از آن رو که دلی پر از عشق به بشریت داشته و وجود عزیزش آکنده از مهر و محبت نوع انسانی بوده، همواره بدین نکته اشاره کرده که هر فردی باید خود را در برابر جامعه مسؤول بداند و با کار و کوشش، گرهی از گره‌های اجتماعی را بگشاید و بداند که فقط به کنجی‌نشستن

و به ریاضت، ذکر اوراد و ادعیه، بسنده کردن، کاری از پیش نمی‌رود و ذات انسانی تکامل و صیقل نمی‌یابد:

چو مردان پیر رنج و راحت رسان	مُخَنَّث خورد دسترنج کسان
خدا را بر آن بنده بخشایش است	که خلق از وجودش در آسایش است
کسی نیک بیند به هر دو سرای	که نیکی رساند به خلق خدای

احسان و نیکوکاری

انسان در الگوی آرمانی سعدی اهل احسان بی‌منت است، هر چند مردم‌نوازی، آرامش درونی به همراه دارد، اما رویکرد بیرونی آن گشایش کار خلق و سپاسگزاری عملی در برابر فضل الهی است. بنابراین باب دوم بوستان، ویژه احسان و نیکی به خلق می‌شود، البته نباید چنین پنداشت که سعدی احسان و نیکی به خلق را مطلق انگاشته است، بلکه باور دارد که برخی شایسته احسان نیستند و نیکی کردن در حق آنان، چه بسا جفا در حق آنان باشد (۱۸).

بگفتیم در باب احسان بسی	ولیکن نه شرط است با هر کسی
مبخشای بر هر کجا ظالمی	که رحمت بر او جور بر عالمی است
هر آنکس که بر دزد رحمت کند	به بازوی خود کاروان می‌زند

نتیجه‌گیری

در روزگاری که حقوق بشر به مفهوم امروزی محلی از اعراب ندارد و با وجود فضایی که حاکی از حاکمیت حکام مستبد است، سعدی شیرازی در تمام آثار خویش بازگو کردن مفاهیم بشردوستانه را وجهه همت خود قرار داده و کوشیده است تا با کلام نغز خویش در جهت ارتقای حقوق انسانی گام بردارد.

با بررسی بوستان، نکته قابل توجه در مورد حقوق شهروندی از دیدگاه سعدی، نشانگر آن است که وی به دور از یک جنبه‌نگری همه مسائل اجتماعی را زنجیره‌وار در کنار هم می‌بیند و برای حل معضلات هر بخش، راه‌کارهای خاص خویش را ارائه می‌کند. نکته قابل تأمل دیگر این که سعدی به دنبال خلق انسانی تک بعدی یا انکار برخی از ابعاد وجود آدمی نیست.

او انسان را موجودی چندبعدی و دارای نیازهای متنوع می‌داند که باید به رسمیت شناختن تمامی جنبه‌های جسمانی و روحانی وجود وی با احترام به این نیازها، برنامه و طراحی برای

سعادت او ارائه نمود، نه از راه انکار و سرکوب برخی از این نیازها. از این روست که در دنیای سعدی در کنار طرح گسترده دینی، اخلاقی و تعلیمی، حقوق شهروندی نیز از جایگاهی ویژه و برجسته برخوردار است.

References

1. Zarinkoob Ab. Along with the Caravan of Robe. Tehran: Elmi Publications; 1993. p.248. [Persian]
2. Akbari HA. A Review of Citizenry Rights. Electronic Publications; 2013. p.92. [Persian]
3. Katoozian NA. An Introduction to the Science of Law. 1st ed. Tehran: Sahami Enteshar Company; 1998. p.170. [Persian]
4. Mehrpour H. International System of Human Rights. 1st ed. Tehran: Etela'at Publications; 1995. p.57. [Persian]
5. Saadi Shirazi MD. Boostan (the Graden or the Book of Saadi). Edited by Yoosefi GH. Tehran: Khawrazmi Publications; 1990. p.77. [Persian]
6. Mahdavi MH, Yousefi GH. [Translation of a Research on Saadi]. Masse H (Author). Tehran: Toos Publications; 1985. p.59. [Persian]
7. Zarinkoob AB. Delightful Words of Saadi. Tehran: Sokhan Publications; 2000. p.38. [Persian]
8. National Committee of UNESCO. Beautiful Recitation of Saadi: A Collection of Articles and Poems to commemorate the 8 hundredth Anniversary of Saadi's Birth. 4th ed. Tehran: Ministry of Culture Publications; 1984. p.239. [Persian]
9. Samiee Gilani A. Ease and Movement, Two Features of Saadi. Journal of Discovering Saadi 2001; 4: 71-77. [Persian]
10. Samiee Gilani A. Expression of Tolerance in Saadi's Poetry. Etela'at Newspaper; 2011. [Persian]
11. Jokar N. Mental and Material Support of the Government from Saadi's Standpoint: A Comparison with Nahj Al-Balaghah. Journal of Religious Thought 2005; 16: 94-109. [Persian]
12. Jokar N. Ideal Society from the Viewpoints of Farabi and Saadi. Journal of Social Sciences and Humanities 2006; 48: 69-84. [Persian]
13. Delshad T. Sociology and Literature. Tehran: Nobel Publications; 1991. p.95. [Persian]
14. Mohammadi Moghadam GH, Navaee Yahyazade A. [Translation of the Interpretation of Nahj Al-Balaghah]. Bohrani M (Author). Mashhad: The

Foundation for Islamic Researches of Imam Reza Holy Shrine; 1996. p.178. [Persian]

15. Eftekhari SA. Mutual Responsibilities of the People and the Government in Saadi's Boostan and Golestan. Lyrical and Pedagogical Researches of Persian Language and Literature Quarterly 2011; 8: 183-195. [Persian]

16. Rabbani Golpayegani A. Humanity's Need for Religion and Belief from Motahari's Point of View. Professional Journal of Islamic Word 2005; 53: 20-42. [Persian]

17. Saadi Shirazi MD. Golestan. Edited by Yousefi GH. Tehran: Khawrazmi Publications; 1989. p.66. [Persian]

18. Rajae FA. Development of Political Thought in Ancient Orient. Tehran: Ghomes Publications; 2006. p.76. [Persian]